

**The effect of linguistic context in the Selection of lexical
Collocation in the Holy Quran
"The case study of Surah Ibrahim"**

Alireza Roustaei ¹, Ali Asghar Ravanshad ²

PhD student in Arabic language and literature, Yazd University, Yazd, Iran
Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Yazd
University, Yazd, Iran

Abstract

The "linguistic context" is a text that emerges from the bond between words and lexical relations, and words find meaning through application in this context. "Collocation," is a purposeful companionship of vocabulary in the linguistic context of the text, which has a significant impact on the formation of the lexical and syntactic system of the language and the induction of the concepts desired by the speaker. In the present study, it has been tried to analyze and study the effect of the linguistic texture of the Surah Ibrahim in the formation and selection of words collocation with the descriptive-analytical method. The analysis of the collocation of the words at the level of nominal and verbal structures and the analysis of the degree of conformity of these associations with the subjects and concepts of the contexts of verses shows that the use of this linguistic technique in surah is quite purposeful and conscious. On the other hand, the necessity of the linguistic context and the implications that the context of the text seeks to convey to the audience has led to the arrangement and selection of these words in the syntax. In addition to presenting new meaning and beyond the meaning of words, the use of these collocations in different semantic domains has created common terminology in the texts. The salience of these collocations in the linguistic context by creating awareness in the audience makes the audience better understand the message and content of the text by analyzing this text phenomenon.

Keywords: Surah Ibrahim, Linguistic context, Collocation, Nominal structure, verbal structure

تأثیر بافت زبانی در گزینش باهم‌آیی واژگان قرآن کریم

«مطالعه موردی سوره ابراهیم(ع)»

علیرضا روستایی^۱، علی اصغر روان شاد^{۲*}

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه یزد، یزد، ایران

alirezaroostai@yahoo.com

۲- استادیار بخش زبان و ادبیات عربی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه یزد، یزد، ایران

ravanshada@yazd.ac.ir

چکیده

«بافت زبانی» متنی است که از پیوند بین واژگان به وجود می‌آید و کلمه‌ها از طریق کاربرد در این بافت، معنا پیدا می‌کنند. «باهم‌آیی» همنشینی هدفمند واژگان در بافت زبانی متن است که در شکل‌دهی نظام واژگانی و نحوی زبان و القای مفاهیم مدنظر متکلم، تأثیر بسزایی دارد. در پژوهش حاضر، تلاش شده است با روش توصیفی تحلیلی، تأثیر بافت زبانی آیات سوره ابراهیم(ع) در چینش و گزینش باهم‌آیی واژگان بررسی و تحلیل شود. تحلیل باهم‌آیی واژگان در سطح ساختارهای اسمی و فعلی و بررسی میزان تطابق این همنشینی‌ها با موضوع و مفهوم سیاق آیات نشان می‌دهد کاربرد این شگرد زبانی در سوره کاملاً هدفمند و آگاهانه است. همچنین، اقتضای بافت زبانی و دلالت‌هایی که بافت متن در پی انتقال آن به مخاطب است، سبب چینش و گزینش این واژگان در زنجیره کلام شده است. کاربرد این همایش‌ها در حوزه‌های معنایی متفاوت، افزون بر خلق معنایی جدید و فراتر از معنای معجمی برای واژگان، سبب ارائه اصطلاحاتی متداول در متون نیز شده است. برجستگی این هم‌آیی‌ها در بافت زبانی سوره ابراهیم(ع) با ایجاد هوشیاری در مخاطب، سبب شده است خواننده با تحلیل این پدیده متنی به درک بهتری از پیام و محتوای متن برسد.

واژه‌های کلیدی

سوره ابراهیم(ع)، بافت زبانی، باهم‌آیی، ساختار اسمی، ساختار فعلی.

۱- طرح مساله

پژوهشگران حوزه علوم قرآنی و زبانشناسی، همواره تلاش کرده‌اند زیبایی‌های ظاهری و درونی این معجزه الهی را به طرق مختلف و با یاری گرفتن از رویکردها

قرآن کریم به‌عنوان یک الگوی زبانی، همیشه کانون توجه پژوهشگران و ناقدان ادبی بوده است.

بافت آیات این سوره، چگونه به انتقال اندیشه و مفاهیم کمک کرده و سبب ایجاد ارتباط بین خواننده و متن شده است؟

۱-۱- روش پژوهش

شیوه کار در این پژوهش، منطبق بر روش توصیفی تحلیلی قرار داده شده است. این روش یکی از شیوه‌های تحلیل متن است که با تمرکز بر اطلاعات کامل درباره یک موضوع در پی دستیابی به نتایج علمی است. در واقع این شیوه پژوهشی با توصیف پدیده یا موضوع مطالعه شده در متن و تحلیل دقیق داده‌ها، در پی دستیابی به نتایجی است که بتوان آن را به تمام متن تعمیم داد (مبارک، ۱۹۹۲، ص ۳۰) تا در پیچه جدیدی پیش روی مخاطب گشوده شود و فهم متون ادبی را برای او آسان‌تر و لذت‌بخش‌تر کند.

نویسندگان در این جستار ضمن تبیین چارچوب نظری و ارائه توضیحاتی روشن درباره باهم‌آیی و بافت زبانی و چگونگی ارتباط آنها با یکدیگر در گزینش و چینش واژگان و بنا بر تقسیم شکل‌های باهم‌آیی واژگانی در قرآن کریم به دو نوع اصلی باهم‌آیی در سطح تناسب اسمی و سطح تناسب فعلی به تحلیل تأثیر بافت زبانی در گزینش باهم‌آیی واژگانی در سوره ابراهیم پرداخته‌اند.

۱-۲- پیشینه پژوهش

پژوهشگران و زبان‌شناسان در راستای تعریف و دسته‌بندی هم‌آیی و کاربرد آن در متون، آثار فراوانی را به رشته تحریر درآورده‌اند و هر یک از چشم‌اندازی متفاوت به تأثیر این رویکرد زبانی در ادبیات پرداخته‌اند. این ویژگی زبانی در ادبیات قدیم و

و نظریه‌های نقدی و ادبی قدیم و جدید واکاوی و کنکاش کنند تا علاوه بر کشف زیبایی‌های ادبی جدید در قرآن، خودنمایی این اعجاز الهی را در برابر نظریات و مکاتب نقدی معاصر به رخ کشیده و رمز تازگی و جاودانگی آن نمایان‌تر شود. قرآن کریم به‌عنوان یک اثر ادبی فرابشری، برای القای اندیشه و مفاهیم و تأثیرگذاری بر مخاطب از شگردهای گوناگونی استفاده کرده است؛ یکی از این شگردها کاربرد «هم‌آیی واژگان» در بافت زبانی آیات است.

هم‌آیی یکی از ویژگی‌های مهم زبانی است که در شکل‌دهی نظام واژگانی و نحوی زبان، نقش ویژه‌ای دارد (شریفی و نامور، ۱۳۹۱، ص ۴۰)؛ اما آنچه سبب برجستگی این رویکرد زبان‌شناسی از سوی پژوهشگران و ناقدان ادبی شده، بررسی باهم‌آیی واژگان در بافت زبانی متن و نقش بافت زبانی و زنجیره کلام در نحوه چینش واژگان و تأثیر آن در القای مفاهیم مدنظر نویسندگان است که این واژگان با واژگان دیگر به دست می‌آورند. علاوه بر این، کشف معنایی فراتر از معنای معجمی و ارائه حوزه معنایی جدید برای واژه‌ها یکی از نتایج کاربرد این ویژگی زبانی است. نویسندگان در این جستار تلاش کرده‌اند تا با بررسی انواع باهم‌آیی واژگان در سوره ابراهیم (ع)، به‌عنوان یک الگوی زبان‌شناسی نوین در تحلیل متن و با توجه به نقش بافت زبانی به سؤالات زیر پاسخ دهند.

- ۱- انواع باهم‌آیی‌های به‌کاررفته در سوره ابراهیم (ع) کدام‌اند؟
- ۲- بافت زبانی یا همان سیاق آیات چه نقشی در گزینش باهم‌آیی واژگان این سوره دارد؟
- ۳- گزینش باهم‌آیی واژگان با توجه به سیاق و

آن از حیث انحصار و پیش‌بینی واژه‌ها، ضوابط مصاحبه و انواع آن و نیز اثر محیط و تطوّر زبان در پیدایش مصاحبات و معرفی این رویکرد زبانشناسی نزد علمای قدیم عرب را واکاوی کرده‌اند.

• امیری و همکاران (۱۳۹۵ش) در پژوهشی به نام «خطاهای ترجمه در باهم‌آیی قرآنی با تکیه بر دیدگاه نیومارک، بیکر و لارسون» و نیز ترجمه قرآن، سعی کرده‌اند یک تقسیم‌بندی جدید از چالش‌های ترجمه را ارائه کنند. در این پژوهش، با استخراج نمونه‌ای از ترجمه باهم‌آیی از ۱۰ ترجمه معاصر قرآن، راه‌حلهایی برای این چالش‌ها ارائه شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد مترجمان قرآن باید به تفاوت در ترتیب قرارگرفتن باهم‌آیی در زبان مبدأ و مقصد و یکسان‌سازی معادل‌ها در ترجمه هم‌آیی در سراسر قرآن توجه کنند تا این امر به انسجام در متن ترجمه قرآن منجر شود.

با بررسی نمونه‌های فوق و نیز پژوهش‌های دیگری از این قبیل، چنین یافت شد که موضوع اصلی بیشتر این پژوهش‌ها، بررسی انواع باهم‌آیی و معرفی آنها و سپس ذکر شواهدی از قرآن است و کمتر پژوهشی به تأثیر بافت زبانی، در گزینش باهم‌آیی و ارائه معنای جدید از این همایش‌ها، با توجه به مفهوم القایی و انتقالی سیاق به مخاطب پرداخته است؛ بنابراین، نویسندگان در این جستار، با انتخاب سوره ابراهیم(ع) تلاش کرده‌اند تأثیر بافت زبانی در انتخاب باهم‌آیی و تعریف دلالتی نو برای این هم‌نشینی را با توجه به مقتضا و مضمون آیات تحلیل کنند.

ازسوی علمایی همچون جاحظ نیز به آن پرداخته شده و نمونه‌هایی از قرآن برای آن ذکر شده است؛ مانند هم‌آیی «الصلاة والزكاة» و «الجنة والنار» و «الجن والإنس» و ... (جاحظ، ۲۰۰۳، ص ۲۰). جی. ار. فرث^۱، زبانشناس انگلیسی، نخستین کسی است که این اصطلاح زبانشناسی را در ادبیات مطرح کرد و به تبیین آن پرداخت. در زمینه مطالعه باهم‌آیی در قرآن کریم، مطالعات مختلفی انجام شده که در ادامه به برخی از آنها اشاره شده است.

• سیدی و اخلاقی (۱۳۹۱ش) در مقاله «تحلیل رابطه باهم‌آیی واژگان در قرآن کریم مطالعه موردی سوره بقره»، با معرفی ۱۵ رابطه معنایی در قرآن، ۵۴ صورت باهم‌آیی را استخراج کرده و به بیان و معرفی انواع باهم‌آیی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد رابطه معنایی تقابل، از پرکاربردترین رابطه‌های هم‌آیی در قرآن است.

• آهنگر و میکده (۱۳۹۵ش) در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی زبانشناختی باهم‌آیی واژگانی در قرآن مجید، شواهدی از سوره مبارکه اسراء، کهف، مریم و طه» ضمن معرفی و تحلیل آماری ۲۰ نوع باهم‌آیی و ذکر شواهدی از قرآن به تبیین فرایند باهم‌آیی در قرآن پرداخته‌اند. این پژوهش بر آن است تا میزان تأثیر این رویکرد زبانی را در انسجام متنی قرآن محک بزند. تحلیل‌های آماری انجام‌شده در این پژوهش حاکی از این است که روابط اسنادی و تقابل، بیشترین میزان وقوع در قرآن را به خود اختصاص داده‌اند.

• اخوان‌مقدم و پاک‌نیت (۱۳۹۵ش) در پژوهش «چیستی مصاحبه یا هم‌آیی لفظی و مطالعه آن در قرآن»، با روش توصیفی تحلیلی، سابقه مصاحبه و انواع

¹ j.r.fres

۲- چارچوب نظری

۱-۲- باهم‌آیی

باهم‌آیی^۱ یا «المصاحبة» تجمع ترکیبی واژگانی است که واژه‌های آن در ملازمت و کنار هم می‌آیند و کاربرد پی‌درپی این واژه‌ها سبب می‌شود هرگاه یکی از آنها آورده شود، واژه دیگر خود به خود در ذهن تداعی شود (مختار عمر، ۱۹۹۸، ص ۷۴). نخستین بار فرث، زبانشناس بریتانیایی، این رویکرد زبانشناسی را مطرح کرد (الدسوقی، ۱۴۲۰، ص ۲۷۹). او معتقد است هر واژه در بافت جدید یک واژه جدید است. از دیدگاه زبانشناسی فرث، مفهوم باهم‌آیی این است که معنی هر واژه به کمک واژه‌هایی که معمولاً با آن متلازم می‌شوند و قرارگرفتن آن کلمه در بافت‌های زبانی گوناگون، مشخص می‌شود (صالح حسنین، ۲۰۰۵، ص ۸۱؛ مختار عمر، ۱۹۹۸، ص ۶۸). درواقع، فرث معتقد است معنای معجمی واژگان با معنایی که به‌واسطه کاربرد آنها در متن به دست می‌آید، متفاوت است. به بیان دیگر، «هر واژه در سیاق، مولودی جدید است و نقش مثبت آن از بافت مشخص می‌شود و سیاق روح جدیدی در آن می‌دمد که با دیگر واژگانی که در یک نظام خطی آمده‌اند، منسجم و هماهنگ است» (یونس علی، ۲۰۰۷، ص ۲۰۳). بر اساس این، بافت زبانی متن بر حسب نیازی که مفهوم و موضوع همان بافت اقتضا می‌کند، معنای واژگان را در قالب همنشینی آنها با دیگر واژگان تعیین می‌کند. همچنین، هم‌آیی از طریق ارتباطی که کلمات با یکدیگر دارند، در متن ظهور می‌یابد؛ به‌گونه‌ای که ممکن است واژه‌ای با واژه‌های مختلف در ارتباط باشد (لنگرودی و عبدالعلی، ۱۳۹۱، ص ۲۷). هم‌آیی یک واژه با واژه‌های

مختلف همان اقتضایی است که بافت زبانی برای انتقال معنا به مخاطب، آن را ایجاد می‌کند؛ زیرا از طریق همنشینی همین واحدهای زبانی است که امکان انتقال مفاهیم همنشین شده فراهم می‌شود (صفوی، ۱۳۷۹، ص ۲۴۷). محمد حلمی هلیل، با توجه به پیوند معنایی بین واژه‌ها، هم‌آیی را اینگونه تعریف می‌کند «گردهم‌آیی‌های معجمی برای دو کلمه یا بیشتر که بر حسب عادت با همراهی و تکرار آن واژه‌ها و پیوند معنایی بین آنها همراه است» (الحسینی، ۲۰۰۷، ص ۲۹).

هم‌آیی واژگانی از دو عنصر اصلی تشکیل شده است؛ ابتدا کلمه محوری «modal word» که تناسب و همراهی آن با دیگر کلمات تکرار می‌شود. دیگری کلمه موافق یا هم‌آیند «collective word» که مصاحبت با کلمه محوری را قبول می‌کند (کریم زکی، ۲۰۰۰، ص ۴۳).

هم‌آیی از حیث قرابت و نزدیکی نیز به دو نوع تقسیم می‌شود:

هم‌آیی عادی «usual collection»؛ این نوع باهم‌آیی به شکل عادی در کلام یافت می‌شود و برای مخاطب پیش‌بینی‌شدنی است. مانند زمانی که متکلم از واژه «شاخه» سخن می‌گوید، مخاطب خود به خود منتظر کلمه «درخت» است.

هم‌آیی غیرعادی «unusual collection» یا غیر منتظره؛ این نوع مصاحبت بستگی به نوع متن و خالق متن و میزان بلاغت او دارد (کریم زکی، ۲۰۰۰، ص ۴۳). درواقع این نوع تناسب با توجه به میزان خلاقیت و بلاغت نویسنده متن، غیرمنتظره بوده و نزد هر ادیب متفاوت است.

¹. collocation

۲-۲- باهم‌آیی و بافت زبانی

پدیده باهم‌آیی در زبان‌شناسی، پدیده‌ای مرتبط با بافت زبانی یا سیاق جمله است؛ زیرا بافت زبانی بستری است که معنای واژه‌ها و جملات در آن مشخص می‌شود. به بیان دیگر، معنای شکل‌گرفته در ذهن متکلم، به واسطه چینش و گزینش واژگان و به اقتضای بافت زبانی در متن نمود پیدا کرده است و مخاطب با تحلیل این گزینش و نیز نظم موجود در آن، به معنایی دست می‌یابد که متکلم، در پی انتقال و تفهیم آن است. به بیان دیگر، گاه دریافت معنای واژگان، فقط از طریق بافتی که در آن قرار گرفته‌اند، دریافت‌شدنی است (صفوی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۷)؛ زیرا بافت زبانی، فضایی است که یک متن در آن شکل می‌گیرد؛ این فضا ممکن است مربوط به داخل زبان یعنی واژه‌ها، جمله‌ها یا عبارات قبل و بعد آن واژه باشد که به آن بافت زبانی یا متنی می‌گویند (دیانی و پرچم، ۱۳۹۷، ص ۱۰۴). درواقع، بافت زبانی «متنی است که از پیوند کلمه‌ها، جمله‌ها و روابط واژگانی با هم پدید می‌آیند. سخن‌گو با پیوند شماری از جمله‌های زبان، یک بافت یا یک متن می‌سازد که بافت زبانی نامیده می‌شود. کلمه‌ها و جمله‌ها تنها درون این بافت زبانی معنا دار می‌شوند» (فتوحی، ۱۳۹۱، ص ۵۷). در همین راستا، فرث به‌عنوان ارائه‌دهنده نظریه بافت در زبان‌شناسی معاصر، بر این باور است که کلمه، خارج از سیاق و بافت جمله، هیچ معنایی ندارد؛ بلکه معنایش را به‌واسطه کاربرد در زبان و از نقش آفریده در زبان کسب می‌کند (مختار، ۱۹۹۸، ص ۶۸). توضیحات فوق، نشان می‌دهد معنای واژگان، علاوه بر همنشینی با دیگر واژگان به جایگاه و نحوه قرارگرفتن آنها در سیاق و بافت زبانی جمله نیز

بستگی دارد. درواقع، این بافت متن و قرارگرفتن واژگان در نظم افقی است که برای ایجاد معنای شکل‌گرفته در ذهن متکلم و انتقال این مفاهیم به مخاطب در قالب آوا، واژه و جمله دست به گزینش می‌زند. به بیان دیگر، بافت همان مبنای اساسی شکل‌گیری سخن است که در فهم مراد متکلم، نقش مهمی دارد. به نظر آنچه در معنای باهم‌آیی و رابطه آن با بافت متن آورده شده، با آنچه عبدالقاهر جرجانی در نظریه نظم از آن سخن گفته است، بدون ارتباط نیست. اگرچه جرجانی به‌وضوح از این اصطلاح نام نبرده است، وقتی اهمیت تناسب بین لفظ و معنی و جایگاه آن در سیاق جمله را بیان می‌کند، معتقد است «کلمات از حیث اینکه مجردند و کلماتی مفردند، مزیتی ندارند؛ بلکه فضیلت‌داشتن و نداشتن الفاظ، مربوط به تناسب معنی لفظی با لفظی دیگر است که در کلام پیش از آن آمده یا بعد از آن قرار گرفته است» (جرجانی، ۲۰۰۴، ص ۴۶). درواقع، جرجانی با این سخن به اهمیت جایگاه واژه در بافت زبانی و نیز تأثیر همنشینی واژگان با کلمات دیگر در القای معنی و مفهومی اشاره می‌کند که متکلم درصدد انتقال آن به مخاطب است.

زمانی که سخن از بررسی همنشینی و هم‌آیی در سوره‌های قرآن کریم به میان می‌آید، بیان این نکته ضروری است که بافت زبانی و اقتضای دلالتی آیه در گزینش این باهم‌آیی تأثیر بسزایی دارد؛ زیرا وقتی متن قرآنی، کلماتی را در سیاق و بافت زبانی یک آیه، گزینش می‌کند و کلمات هم‌معنای نزدیک به واژه گزینشی را رد می‌کند، قصد دارد با این انتخاب یک مفهوم ویژه را به کمک اقتضای بافت زبانی آیه القا کند و اگر همین سیاق، تصمیمی برای انتقال معنایی دیگر

اتخاذ کند، از واژگانی بهره می‌گیرد که در بافت‌های مشابه قبلی از آنها دوری جسته است.

کاربرد تلازم و هم‌آیی واژگانی در مشخص کردن معنا به وضوح درک‌پذیر است؛ زیرا اگر نویسنده، قواعد و معیارهای انتخاب بین کلمات را رعایت نکند، این امر سبب نوعی نابهنجاری معنایی می‌شود (صالح الحسین، ۲۰۰۵، ص ۱۱۷). به بیان دیگر، در کنار هم قرار گرفتن الفاظ در بافت زبانی یک اثر ادبی، نقش تعیین‌کننده‌ای در خلق معنای جدید دارد. علاوه بر این، سبب می‌شود مخاطب با توجه به کاربرد این نوع قرابت و تناسب بین واژگان، از معنای معجمی تعریف‌شده برای این واژگان به معنایی برسد که متکلم با توجه به بافت زبانی، قصد دارد با گزینش این هم‌آیی، آن را به مخاطبش القا کند. مطالعه هم‌آیی واژگانی بر این اصل تأکید می‌کند که دلالت معنایی تراکیب، مختص به معنای معجمی واژگان نیست؛ بلکه باید به تناسب مصاحبت بین کلمات نیز برای رسیدن به معنای مدنظر متکلم توجه شود (همان، صص ۸۱-۸۲).

۳- تحلیل مؤلفه‌های هم‌آیی در سوره ابراهیم (ع)

۳-۱- هم‌آیی در سطح ساختار اسمی

در این نوع هم‌آیی، مصاحبت و همنشینی بین دو اسم شکل می‌گیرد و شامل همنشینی موصوف و صفت و مضاف و مضاف‌الیه و معطوف و معطوف‌علیه می‌شود.

۳-۲- بافت زبانی و هم‌آیی موصوف و صفت

یکی از انواع هم‌آیی که بافت زبانی در سوره ابراهیم (ع)، با گزینش آن در انتقال معانی و مفاهیم

بهره فراوانی برده، تناسب و همنشینی موصوف و صفت است؛ زیرا همنشینی بین موصوف و صفت یکی از ابزارهای ایجاد انسجام در متن است که از گذر ارتباطی که میان ترکیبات و پیوندهای معنایی ایجاد می‌کند، این ارتباط را فراهم می‌سازد که یک اصل بنیادین در توانمندی متن است (جاسم، ۲۰۱۸، ص ۷۶).

در آیات سوره ابراهیم (ع)، نص قرآنی در بافت‌های مختلف برای تبیین اهداف متفاوت از همنشینی‌های گوناگون بهره برده است. در آیات ابتدایی سوره، همایش کلمه محوری «الْعَزِيزُ» با دو واژه هم‌آیند متفاوت، یعنی «الْحَمِيدِ» و «الْحَكِيمِ» در قالب موصوف و صفت درخور توجه است «الرَّكِيْبُ اَنْزَلْنَا اِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّورِ بِاِذْنِ رَبِّهِمْ اِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» (ابراهیم: ۱) «وَمَا اَرْسَلْنَا مِنْ رَسُوْلٍ اِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللّٰهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (ابراهیم: ۴). تلازم و همراهی این دو ترکیب وصفی در آیات با موضوع تقریباً مشابه، علاوه بر اینکه با برجستگی زبانی در ساختار آیه، توجه مخاطب را برانگیخته است، کاملاً هدفمند بوده و درصدد القای مفهومی است که با بافت آیه نیز هماهنگ است؛ زیرا «بافت، عامل همبستگی کلام با تفکر آدمی است» (کنعانی، ۱۳۸۴، ص ۲۹)؛ یعنی خواننده با تحلیل روابط موجود در بافت به درک معنای واقعی متن می‌رسد. به بیان دیگر، مقتضایی که در محتوای آیات مذکور نهفته است، سبب شده است بافت زبانی اقدام به گزینش دو ساختار متفاوت و همنشینی این دو واژه با کلمه محوری «الْعَزِيزُ» کند. محتوای آیه اول، فرستادن کتابی ارزشمند برای هدایت بشر است؛ پس بافت زبانی آیه، اقتضا کرده است خداوند عزّتمند و مقتدر، به سبب نعمت قرآن و در

«العزیز» معنای جدیدی به مخاطب ارائه دهد؛ بدین معنی که بدون ظلم به انسان‌ها، خداوند حکیم پیامبرانی را به زبان اقوام فرستاده است و هر که را بخواهد هدایت کند و هر که را بخواهد راه نشان ندهد. در این بافت، اگر واژه‌هایی که معنایی مشابه با واژه «حکیم» دارند، جایگزین شوند، در انتقال پیام آیه خلل وارد خواهد شد. افزون بر این، موضوع یادشده تأکید این سخن احمد بدوی است که معتقد است «آن دسته از آیات قرآن کریم که محتوا و مضمون آنها درباره حکمت خداوند سخن می‌گویند، پایان آن نیز با آنچه با حکمت خداوند در ارتباط است، پایان می‌پذیرد» (احمد بدوی، ۲۰۰۵، ص ۶۵). در واقع، گزینش این دو گونه همایی در دو بافت مختلف، علاوه بر تعیین حوزه‌های معنایی جدید برای کلمه محوری، نشان می‌دهد جابه‌جایی در جایگاه دو واژه هم‌آیند مذکور، سبب ایجاد ناهماهنگی در رساندن پیام آیه به خواننده می‌شود. چنانچه کوروش صفوی اظهار می‌کند نادیده‌گرفتن واژه‌های هم‌نشین، سبب تغییر مفهوم و معنای واژگان موجود و سرانجام، برداشت غیر دقیق از متن می‌شود (صفوی، ۱۳۷۹، ص ۲۴۷).

از ترکیبات وصفی درخور تأمل دیگر در سوره ابراهیم(ع)، ترکیب «عَذَابٌ شَدِيدٌ» و «عَذَابٌ غَلِيظٌ» در آیات «وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ» (ابراهیم، ۲) و «يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ» (ابراهیم: ۱۷) است. دامنه تکرار همایش «عَذَابٌ شَدِيدٌ» در قرآن کریم گسترده است؛ زیرا این همایش، یک بار در سوره ابراهیم(ع) و ۱۹ بار در سوره‌های دیگر قرآن به کار رفته است. با تحلیل بافت زبانی آیاتی که همایش

پی آن هدایت انسان، شایسته حمد و ستایش باشد؛ به همین دلیل، بافت زبانی برای القای معنای دقیق، با گزینش واحدهای زبانی در نظم افقی کلام، سبب شده است در کنار کلمه محوری «العزیز»، واژه هم‌آیند «الْحَمِيدِ»، به معنی «محمود: ستوده» انتخاب شود. برای تثبیت این معنا در ذهن مخاطب، با بررسی بسامد این نوع همایی در کل قرآن کریم، نتیجه درخور تأملی حاصل می‌شود که تکرار اینگونه هم‌آیی وصفی - ۴ مورد - بیشتر در بافت‌هایی کاربرد دارد که مفهوم و محتوای درونی آن به نعمت هدایت انسان اشاره دارد؛ یعنی در قرآن کریم، این ترکیب بیشتر زمانی کاربرد دارد که بافت زبانی آیه با هدف ارائه هدایت انسان‌ها طراحی شده باشد. به بیان دیگر، هم‌نشینی واژه «الحمید» در تعیین حوزه دلالتی کلمه محوری «العزیز» تأثیر مستقیمی گذاشته است؛ اما ساختار «العزیزُ الْحَكِيمُ» که بسامد آن در قرآن ۲۹ مورد است، در آیه‌ای به کار گرفته شده که اقتضای سیاق و بافت زبانی آیه در پی بیان حکمت الهی است. «حکیم» از ریشه «حکم» گرفته شده است. «حکم» در لغت به معنای منع کردن و قضاوت کردن و محکم بودن آمده است. «وَحَكْمَةُ اللَّجَامِ: مَا أَحَاطَ بِحَنَكِي الدَّابَّةِ» که مانع سرکشی حیوان می‌شود. «حکم فلان» یعنی امرش را به او وا گذاشت، و از او قضاوت و داوری خواست. سومین معنی واژه «حکم»، محکم بودن است. حکیم یعنی کسی که امور را محکم و متقن انجام می‌دهد «الحکیم هو الذی یحکم الأشياء ویتقنها» (راغب، ۱۴۱۲، ص ۲۴۹-۲۴۸؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۱۴۴-۱۴۳). پس بافت زبانی، اقتضا کرده است با چینش و همایش واژه «الحکیم» در کنار کلمه محوری

«عَذَابٌ شَدِيدٌ» در آن به کار رفته است، مشخص می‌شود اینگونه عذاب، ویژه کافران و برای ارائه دلالت انداز و تهدید است؛ زیرا در آیاتی آمده که در آن روی سخن با کافران و شرح حال نافرمانی آنها است. علاوه بر این، کاربرد مشتقات کلمه «کفر» - همان‌گونه که در آیه مد نظر نیز مشاهده می‌شود - در بافت زبانی بیشتر این آیات مشاهده می‌شود؛ اما همایش «عَذَابٌ غَلِيظٌ» دامنه تکرار آن در قرآن کریم، محدود و بافت زبانی، این همایش را برای القای دلالت ویژه‌ای به کار برده است. این همایش، ۱ مرتبه در سوره ابراهیم (ع) و ۳ بار در سوره‌های دیگر قرآن استفاده شده است. موضوع و محتوای این آیه و آیه پیشین «مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَى مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ» (ابراهیم، ۱۷) ترسیم تصویری مدهش و ترسناک از بیان و توصیف عذاب‌های الهی، نسبت به دوزخیان است؛ عذاب‌هایی همچون نوشاندن آبی متعفن و بدبو «مَاءٍ صَدِيدٍ». در پی آن، مرگی که از هر سو کافران را احاطه می‌کند، درحالی که نمی‌میرند «وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ». می‌توان چنین برداشت کرد که نظم موجود در چینش واژگان و وابستگی و پیوستگی میان آنها مقدمه‌ای است که برای ارائه مدلول جدیدی از عذاب چیده شده است. پس هدف بافت زبانی، فقط تهدید و انداز نیست؛ زیرا همنشین شدن کلمه هم‌آیند «غَلِيظٌ» با کلمه محوری «عَذَابٌ» در بافت زبانی آیه، علاوه بر بیان گونه‌های عذاب جهنمیان در دوزخ، عذابی را به تصویر می‌کشد که متناسب با «جَبَّارٍ عَنِيدٍ» در آیه «وَأَسْتَفْتَحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ» (ابراهیم: ۱۵) باشد. با جستجوی معنای واژه «غَلِيظٌ» در معجم‌های لغوی، مشخص می‌شود عذاب با غلیظ وصف نمی‌شود؛ بلکه

امور سخت و ملموس را با «غَلِظٌ» توصیف می‌کنند «أمرٌ غَلِيظٌ: شديدٌ صعبٌ - ماءٌ غَلِيظٌ: مُرٌّ - الغلظ: الأرض الخشنه» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۴۴۹). به بیان دیگر، بافت زبانی با کاربرد این همایش، حوزه معنایی جدیدی را برای «عَذَابٌ غَلِيظٌ» ارائه می‌دهد و آن تصویری است که همه اوصاف ترس و وحشت را یکجا گرد آورده است و هدفش فقط بیان معنای سطحی واژه نیست. به‌طور قطع «اینگونه تعبیرات عموماً طرح‌های همنشینی عادی ندارند؛ به همین سبب به کار بردن آنها نادرتر و قدرت انگیزانندگی آنها بیشتر و مفهوم آنها قوی‌تر است» (باطنی، ۱۳۴۸، ص ۵۸)؛ بنابراین، همنشینی این واژگان و «سازگاری این مقولات با یکدیگر بر روی زنجیره گفتار» (همان، ص ۵۸) در کنار یکدیگر کاملاً آگاهانه بوده است و افزون بر ارائه معنایی جدید از عذاب، با برجسته شدن در متن سبب شده‌اند مخاطب برای پی بردن به معنا و مفهوم آنها دست به کنکاش در این ترکیبات بزند.

همان‌گونه که در بررسی نمونه‌های تحلیل‌شده اشاره شد کاربرد هم‌آیی موصوف و صفت در سوره ابراهیم (ع) مبتنی بر اقتضای بافت زبانی بوده و با توجه به معنا و مفهومی که سیاق آیه درصدد انتقال آن به مخاطب است، به کار گرفته شده است. همچنین، کاربرد اینگونه هم‌آیی، افزون بر مزیت‌های نحوی موجود، به ارائه معنا و مفهومی جدید به کمک بافت متن برای مخاطب در آیات مختلف منجر شده است.

۳-۳- بافت زبانی و هم‌آیی مضاف و مضاف‌الیه

یکی از پربسامدترین هم‌آیی‌های اسمی در قرآن کریم، همنشینی مضاف و مضاف‌الیه است. کاربرد ترکیب‌های اضافی در سوره ابراهیم (ع) به شکل‌های

است. نکته شایان توجه درباره این همایی، تأثیری است که بافت زبانی متن و زنجیره گفتار در خلق معنای جدید از همنشینی این واژه محوری با کلمه هم‌آیند «الله» داشته است؛ زیرا باید این همایش را در بافتی بررسی کرد که در آن آمده است. صاحبان اندیشه، منظور از «آیام الله» را روزهای خاصی می‌دانند که در این روزها اراده الهی در آن محقق شده و نعمت یا نعمت خداوند به شکل ویژه‌ای ظاهر شده باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۲۳؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۵، ج ۱، ص ۱۱۷۳). بافت زبانی با گزینش این همایش در زنجیره گفتار دایره معنایی جدیدی را برای این ترکیب اضافی تعریف کرده است و آن بیان عزت خداوند و ظهور قدرت او در راستای نجات بنی اسرائیل از گزند دشمنان است. همچنین، بافتی که حوادث آیه در آن رخ داده است نیز در القای دلالت این همایش به مخاطب تأثیر بسزایی دارد. این همایش، به زیبایی، جلوه‌های قدرت خداوند را برای مخاطب آشکار می‌کند؛ زیرا القاکننده دلالت امید به یاران موسی(ع) و نیز انتقال‌دهنده تهدید به دشمنان اوست. از چشم‌اندازی دیگر، این واژه، هم دربردارنده دلالت ترحم و لطافت برای یاران موسی(ع) و هم دلالت تهدید و ترس برای دشمنان او است. همچنین، دلالت معجمی این دو واژه به صورت جداگانه، مفاهیم فوق را القا نمی‌کنند. در واقع، برای اینکه این واژگان بتوانند پیامی را برسانند، باید طبق روال خاصی روی یک محور افقی در کنار هم قرار گیرند (صفوی، ۱۳۷۹، صص ۲۷-۲۸) که همان رابطه همنشینی است و تا زمانی که بنا به اقتضای بافت زبانی در مصاحبت یکدیگر قرار نگیرند، مخاطب این معنا را دریافت نمی‌کند.

گوناگون مشاهده می‌شود؛ اما در این پژوهش، هم‌آیی ترکیب‌هایی مدنظر است که به واسطه بسامد کاربرد آنها در بافت زبانی آیات، معنای ویژه‌ای را می‌رسانند و تبدیل به یک اصطلاح شده‌اند. هنگامی که مضاف و مضاف‌الیه از دیدگاه تلازم و ارتباط بررسی شود، این نتیجه به دست می‌آید که ارتباط این دو واژه به گونه‌ای است که یکی، دیگری را طلب کرده و بدون آن جایگاهی ندارد و معنا با وجود هر دو آنها کامل می‌شود (حسان، ۱۹۹۴، ص ۹۴؛ نوال، ۲۰۱۲، ص ۸۸). به بیان دیگر، زمانی که لفظی دارای ابهام باشد، نیاز دارد در مصاحبت و همنشینی واژه‌ای دیگر بیاید تا این ابهام و غموض از آن برطرف شود؛ اینجاست که اهمیت هم‌آیی الفاظ در زنجیره کلام و نقشش در ایفای معنا بیشتر نمایان می‌شود. در آیه «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» (ابراهیم: ۵) همنشینی کلمه «یوم» با واژه «الله» از ترکیب‌هایی است که بافت زبانی و نظم موجود در زنجیره کلام، معنای آن را بیان می‌کند. در فرهنگ لغت، واژه «یوم» به معنی محدوده زمانی خاصی آمده است «یومٌ معروفٌ مقداره مِن طُلُوعِ الشَّمْسِ إِلَى غُرُوبِهَا» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۶۴۹)؛ از این رو، نیازمند همنشین شدن با کلمه دیگری است تا ابهام را از آن بزداید. واژه «یوم» از واژگانی است که دامنه هم‌آیی آن در قرآن کریم گسترده است و مصاحبت آن با دیگر کلمات، بیشتر دلالت بر روز قیامت می‌کند؛ مانند «یوم الوقت، یوم الحسرة، یوم التناد و...» اما بافت زبانی در سوره ابراهیم(ع)، هم‌آیی متفاوتی را گزینش کرده که فقط دوبار در قرآن آمده

۳-۴- بافت زبانی و هم‌آیی معطوف و معطوف علیه
در این نوع هم‌آیی، مصاحبت دو واژه در بافت زبانی با توصیف و اضافه همراه نیست؛ بلکه با پیوندی است که «واو» عطف بین دو کلمه برقرار می‌کند و با اشتراک معنایی که «واو» بین معطوف و معطوف‌علیه برقرار کرده است، سبب تأثیرگذاری و بیان هدفمند مفهوم می‌شود. عطف در قرآن در قالب اسلوب‌های مختلفی آمده است که هر یک ساختار متفاوتی دارند و معانی ویژه‌ای را در نفس انسانی القا می‌کنند (الشرفاوی، ۱۹۸۱، ص ۱۹۱)؛ اما در این پژوهش به تحلیل ساختار عطف‌هایی پرداخته خواهد شد که «واو» عطف، سبب پیوند معنایی آنها در بافت زبانی شده است.

کاربرد عطف در قالب هم‌آیی به دو گونه در قرآن خودنمایی کرده است. ابتدا همنشینی دو واژه به شکل متضاد که قرارگرفتن اینگونه مصاحبت در سیاق قرآنی بنا به اقتضای بافت زبانی و در راستای ارائه و القای دلالت‌های مشخص به کار گرفته شده است. در آیه «قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبُنُّوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً ...» (ابراهیم: ۳۱) سیاق آیه و نحوه چینش واژگان در آیه، در راستای تشویق اهل ایمان به انجام فریضه انفاق است؛ از این رو، در بافت زبانی با استخدام ترکیب عطفی «سِرًّا وَعَلَانِيَةً» و همنشین کردن این دو واژه متضاد، اهمیت موضوع به مخاطب القا می‌شود؛ زیرا جمع بین دو متضاد، افزون بر اینکه زیبایی اسلوب و دل‌انگیزی معنا را افزایش می‌دهد، سبب پویایی متن نیز می‌شود؛ زیرا واژگان متضاد در مخاطب تأثیر فراوانی می‌گذارد و اسباب هوشیاری و توجه بیشتر او به موضوع را فراهم می‌کنند (الخزرجی و السامرائی، ۲۰۱۲، ص ۱۰). علاوه بر این، «واو عطف»

سیاق قرآنی با کاربرد ترکیب اضافی «دَارَ الْبُورِ» در آیه «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبُورِ» (ابراهیم: ۲۸) و همنشین‌ساختن این دو واژه در کنار هم، معنای جدیدی را ارائه کرده است. «دار» در لغت به معنی خانه آمده است «الدار: المنزل اعتباراً بدورانها الذی لها بالحائط» (راغب، بی‌تا، ص ۳۲۱) و منظور از «البوار» در لغت، زمینی خراب است که مناسب کشت و زرع نیست یا نهایت کساد که به فساد منجر شود «البوار: هی الأرض الخراب التي لم تُزرَع أو کساد السوق أو الهلاک، بار الشیء یبور بواراً و بوراً» (زبیدی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۲۵۲). همنشینی این دو واژه در کنار هم و در بافت زبانی متن سبب خلق معنایی جدید - یعنی جهنم - برای این ترکیب شده است. چنانچه لاینز در راستای این نوع از هم‌آیی می‌گوید «واژه‌ها در حالت انفرادی با حالت ترکیبی متفاوت‌اند و توصیف معنایی هر یک از واژه‌های هم‌آیند بدون در نظر گرفتن مجموعه واژه‌های همنشین امکان‌پذیر نیست» (امیری و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۳)؛ یعنی هر کدام از این دو واژه به تنهایی این مدلول را القا نمی‌کنند؛ بلکه بافت متن و همایش واژه‌ها در سیاق است که سبب خلق این معنا شده است و از طریق آن مخاطب به درک صحیحی از مفهوم مدنظر سیاق می‌رسد.

با ارائه تحلیل‌های یادشده و بررسی دیگر ترکیب‌های اضافی که در قالب همنشینی دو اسم در بافت زبانی سوره ابراهیم (ع) استفاده شده است، مشخص می‌شود کاربرد اینگونه هم‌آیی‌ها بنا به اقتضای بافت زبانی و کاملاً هدفمند و در راستای القای مفاهیم مدنظر متکلم در ساختار سوره به کار گرفته شده است.

می‌آورد که مدلول آیه بیان‌کننده قدرت پروردگار باشد؛ در واقع، بافت زبانی با به‌کارگیری این مصاحبت، مخاطب را به حوزه معنایی جدیدی از این واژه وارد کرده و در پی القای گستردگی حکومت الهی است. نکته تحلیل‌پذیر در بررسی این هم‌آیی، زمانی است که بافت زبانی در آیه «يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» (ابراهیم: ۴۸) قصد دارد تحوّل و دگرگونی زمین و آسمان را به‌عنوان یکی از مظاهر قدرت الهی، در آستانه برپایی قیامت به تصویر بکشد. در این تصویر، سیاق و بافت متن، با ساختار شکنی در نظم افقی این هم‌آیی، قالب یکی از پرتکرارترین هم‌آیی‌های قرآن یعنی «السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ» را متحوّل و قالب نو و جدیدی را به شکل «الأرض... والسَّمَاوَاتُ» ارائه می‌کند. سامرائی معتقد است «تقدیم و تأخیر یک واژه بنا به مقتضای مقام است و اینکه واژه‌ای یک جا مقدم می‌شود و در جای دیگر مؤخر می‌شود، به دلیل بلاغتی است که بافت زبانی اقتضا کرده است» (السامرائی، ۲۰۱۹، ص ۱۳۲). پس «الأرض» در بافت زبانی آیه، مقدم شده است تا در کانون توجه باشد و این دگرگونی برای انسان ملموس‌تر شود؛ زیرا زمین به او نزدیک‌تر و تغییر در آن محسوس‌تر است؛ از این رو، ساختار ظاهری آیه نیز متحوّل شده است تا مفهوم و مدلولی که واژگان به سبب انتقال و القای آن به نظم کشیده شده‌اند، بهتر به مخاطب ارسال شود و اهمیت بافت زبانی در چینش واژگان و همنشینی آنها روشن‌تر شود.

۴- باهم‌آیی در ساختار فعلی

اینگونه همنشینی در قرآن کریم، به دو شکل ملاحظه می‌شود؛ ابتدا همنشینی فعل با حرف جر و

برای تفصیل و توضیح مسندالیه، همراه با اختصار و ایجاز نیز می‌آید (حسینی‌نیا، بی‌تا، ص ۱۷۰). در آیه فوق، سیاق آیه با کاربرد این همنشینی، افزون بر جلب توجه مخاطب و توضیح و تفصیل مسندالیه، سبب ایجاز در آیه نیز شده است؛ زیرا از تکرار عبارت «وَيُفْقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ» بعد از واژه «سِرًّا» در آیه پرهیز کرده است. از نگرگاه دیگر، مقدم‌شدن «سِرًّا» در نظم ساختاری این هم‌آیی، مدلولی برای ارجح‌بودن انفاق در نهان است و ساختار ظاهری و پشت سرهم آمدن فعل‌های مضارع نیز دلالتی بر تداوم این انفاق است. برجسته‌شدن اینگونه هم‌آیی‌ها در قالب تضاد در بافت زبانی آیات سوره ابراهیم(ع)، سبب شده است مخاطب نسبت به این ساختارها حساس شود و به دنبال کشف روابط معنایی بین اینگونه هم‌آیی‌ها باشد. کاربرد واژه‌های مکمل، در قالب اسلوب عطفی، نوع دیگری از هم‌آیی است که سیاق قرآنی سوره ابراهیم(ع) برای القای معنا از آن بهره برده است. همنشینی دو واژه «السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» در آیه «اللَّهُ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ» (ابراهیم: ۳۱) از مصاحبت‌هایی است که در قرآن بسامد فراوانی دارد. این قالب همنشینی، در سوره ابراهیم(ع) علاوه بر این آیه در آیات «۱۰-۱۹-۳۲» نیز تکرار شده است. کاربرد این نوع هم‌آیی در آیات قرآن کریم و آیات سوره ابراهیم(ع) علاوه بر اینکه بیان‌کننده وجود وصفی جامع میان دو واژه هم‌آیند است، بلاغت ایجاز در آیه را نیز گوشزد می‌کند؛ اما نکته درخور توجه در بررسی آیات قرآن کریم و سوره ابراهیم(ع) - که در بردارنده این نمونه همنشینی‌اند - این است که بافت و سیاق زمانی به کاربرد اینگونه هم‌آیی در قالب ترکیب عطفی روی

دیگری همنشینی فعل با اسم. نحوه چینش و گزینش این همایش‌ها در سیاق، تأثیر بسزایی در تعیین معنا و القای معنای مطلوب بافت زبانی متن دارند.

۴-۱- بافت زبانی و باهم‌آیی فعل و حرف جر

کاربرد حروف جر در ساختار جمله اهمیت فراوانی دارد؛ تا اندازه‌ای که بسیاری از ناقدان به همایش حروف جر با فعل در ترکیب و ساختار کلام از حیث دلالت بر معنایی مشخص و ایجاد ارتباط بین فعل و اسم بعد از آن توجه داشته‌اند. ابن‌جنی معتقد است «سبب مجرور شدن اسم‌های بعد از افعال ناتوانی و ضعف افعال از ارتباط مستقیم به اسم بعد از خود است؛ از این رو، حضور حروف جر سبب ایجاد این پیوند می‌شود» (ابن‌جنی، ۱۹۹۳، ص ۱۲۴). همچنین، درباره اهمیت و تأثیر حروف جر آورده‌اند «لحرف الجر أثر بالغ الأهمية قد يصل إلى حد تغيير دلالة الفعل تغييراً تاماً» (داود، ۲۰۰۲، ص ۶). این موضوع بیان‌کننده اهمیت و تأثیر حروف جر هنگام مصاحبت با فعل و عملکرد این حروف در تغییر معنای معجمی فعل و دلالتی است که بافت زبانی به دلیل انتقال آن به مخاطب، دست به گزینش اینگونه هم‌آیی می‌زند. براساس نظریه نظم جرجانی «هیچ معنای واحدی را نمی‌توان با دو تعبیر متفاوت بیان کرد؛ به گونه‌ای که هر آنچه از یک تعبیر فهمیده می‌شود، از دیگری نیز فهمیده شود» (جرجانی، ۲۰۰۴، ص ۲۶۱). تأمل در بافت زبانی آیات سوره ابراهیم (ع) و بررسی همنشینی افعال با حروف جر مختلف نیز بیان‌کننده همین موضوع است؛ زیرا کاربرد حروف جر همراه فعل، کاملاً هدفمند و بافت زبانی، آن را برای القای تعبیر ویژه‌ای گزینش کرده است و اگر حروف جر دیگری

همنشین فعل می‌شد، این دلالت به مخاطب القا نمی‌شد. در آیه «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا ...» (ابراهیم: ۱۳) در بافت زبانی آیه، فعل «تعوذ» با حرف جر «فی» همنشین شده است. فعل «عاد» از افعالی است که در قرآن کریم با حروف جر «فی، إلی و ل» در بافت‌های زبانی مختلف، برای انتقال دلالت‌های متفاوت همنشین شده است. موضوع آیه، دعوتی است که کافران برای بازگشت یا داخل شدن پیامبران به آیین آنها مطرح می‌کنند؛ ولی بافت زبانی آیه برای دورکردن این ابهام از ذهن مخاطب، که پیامبران قبل از مبعوث شدن برای هدایت مردم، خود نیز کافر بوده‌اند، حرف جر «فی» را بر دیگر حروف ترجیح داده است؛ زیرا حرف جر «فی» افاده استقرار و تمکن و دربرگرفتنی می‌کند (فاضلی، ۱۳۸۸، ص ۱۳). در واقع، «کلمه «عَوَدَ» در این آیه دلیل بر این نیست که انبیا قبلاً در آیین کفر بوده‌اند؛ چون اگر چنین معنایی در کلمه وجود داشت، باید می‌گفت «لَتَعُوذُنَّ إلی مِلَّتِنَا» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۴۵). این موضوع بیان‌کننده اهمیت گزینش حروف جر در مصاحبت فعل، در راستای تعریف معنایی جدید برای فعل و تغییر دلالت و القا و انتقال بهتر و دقیق‌تر معنا به مخاطب است.

در آیه «... رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْتِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقُهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ» (ابراهیم: ۳۷) فعل «هوی» در سیاق آیه، همنشین و در مصاحبت حرف جر «إلی» آمده است. «هوی» در لغت به معنای سقوط است «هوی الشخص أو الشیء: سقط من علو إلی سُفْل» (مختار عمر، ۲۰۰۸، ص ۲۳۷۸)؛ اما بافت زبانی آیه با گزینش، هم‌آیی این فعل با حرف

می‌شود. جرجانی نیز در نظریه نظم، از اصطلاحی ویژه به نام «تعلیق» سخن می‌گوید و معتقد است «لیس النظم سوی تعلیق الکلم بعضها ببعض وجعل بعضها بسبب بعض» (جرجانی، ۲۰۰۴، ص ۵۵). منظور از تعلیق در این نظریه این است که کلام یک جزء ساده و بسیط نیست؛ بلکه ترکیبی از پیوستگی و وابستگی کلمات به یکدیگر است و همشینی و وابستگی فعل و حرف جر از مصادیق همین نظم است.

۴-۲- بافت زبانی و باهم‌آیی فعل و اسم

با واکاوای بافت زبانی آیات قرآن، همشینی با فاصله یا بدون فاصله برخی از افعال با اسم‌های ویژه‌ای مشاهده می‌شود که در کنار یکدیگر، ضمن خلق ترکیبات اصطلاحی در متن، به تدریج در دیگر متون نیز رایج شده‌اند. همشینی فعل «أقام» با واژه «صلاة» در آیه «قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَّا بَيِّعُ فِيهِ وَلَا خِلَالٌ» (ابراهیم: ۳۱) یکی از این ترکیبات است «أقام یقیم إقامة - فهو مقیم. أقام البناء: شیده - أقام العود: عدله وأزال عوجه - أقام الحق: أظهره» (مختار عمر، ۲۰۰۸، ص ۱۸۷۴). در عبارات‌های فوق، فعل «أقام» در همشینی با اسم‌های مختلف، معانی متفاوتی همچون ساختن، اصلاح کردن و آشکار کردن را القا می‌کند؛ اما زمانی که بسامد کاربرد این فعل در قرآن کریم بررسی شود، بیشترین همشینی این فعل - ۴۳ مورد - با واژه «صلاة» است. علاوه بر این چهار مورد نیز از مشتقات دیگر «قام» در این همشینی استفاده شده است. بسامد این همایش دلیلی بر تلازم و همراهی مستحکم این دو واژه در قرآن است.

جر «إلی» در پی ورود به حوزه دلالتی تازه‌ای است؛ زیرا دلالت معنایی تراکیب، مختص به معنای معجمی واژگان نیست؛ بلکه باید به تناسب مصاحبت بین کلمات، برای رسیدن به معنای مدنظر متکلم توجه شود (صالح الحسین، ۲۰۰۵، صص ۸۱-۸۲). همشینی فعل «هوی» همراه حرف جر «إلی» سبب شده است تا معنای جدیدی از آن برداشت شود و آن سرعت گرفتن در سیر، همراه تمایل و عشق است «هوی إلى المكان: هوی الشخص فی سیره أسرع مال وحن» (مختار عمر، ۲۰۰۸، ص ۲۳۷۸). سیاق آیه نیز درصدد القای همین مفهوم به مخاطب است؛ زیرا موضوع آیه این چنین است که دل‌های مردم متمایل به سوی ذریه ابراهیم(ع) شود؛ به طوری که وطن خود را رها کنند و با عشق و محبت به سوی آنها آیند و پیرامون آن منزل گزینند.

در تحلیل همشینی افعال با حروف جر، بیان این نکته ضروری می‌نماید که اگرچه «واژه مفرد، مهم‌ترین واحد معنایی به شمار می‌آید، چون تشکیل‌دهنده مهم‌ترین سطح اساسی واحدهای معنایی است؛ تا جایی که برخی آن را کوچک‌ترین واحد معنایی می‌دانند» (مختار عمر، ۱۹۹۸، ص ۳۳)؛ اما زمانی که از چشم‌انداز بافت زبانی و رویکرد زیانشناسی هم‌آیی واژگان، به آن نگریسته شود، درمی‌یابیم همین واحدهای معنایی، با کاربرد یک حرف جر در کنار آنها دستخوش تغییر در معنا و در پی آن، القای مفهوم جدیدی به مخاطب می‌شوند. این تحلیل بیان‌کننده نظریه نظم جرجانی و در پی آن، نظریه پردازان بافت زبانی است که معتقدند معنای کلمه در کلام، فراتر از معنای معجمی آن است و معنای واقعی آن در مصاحبت و تأثیرپذیری از کلمات قبل و بعد آن روشن

ابن عاشور این ترکیب را یکی از اصطلاحات اسلامی قرآن می‌داند که قرآن در ابتدای نزولش از آن استفاده کرده است و می‌آورد «أَنَّ تَعْلِيْقَ هَذَا الْفِعْلِ بِالصَّلَاةِ مِنْ مَصْطَلِحَاتِ الْقُرْآنِ وَقَدْ جَاءَ بِهِ الْقُرْآنُ فِي أَوَائِلِ نَزْوَلِهِ فَقَدْ وَرَدَ فِي سُورَةِ الْمَزْمَلِ» (ابن‌عاشور، ۱۹۸۴، ج ۱، ص ۲۳۱). در سوره ابراهیم (ع)، بافت زبانی، با خلق این ترکیب و هم‌نشینی کردن این دو واژه در کنار هم در مقابل دیگر واژگان متقارب‌المعانی به دنبال تأکید بر محافظت و ثبوت و استمرار اقامه نماز از سوی مؤمنین است؛ زیرا از دلالت‌های فعل مضارع در این ترکیب، تأکید بر استمرار و تجدد در فعل است. همچنین، اگر به جای واژه «اقام» واژه هم‌معنایی همچون «اداء» هم‌نشین «الصلاة» می‌شد، دلالتی که متن در پی القای آن به مخاطب است، کاملاً دچار تغییر و دگرگونی می‌شد.

موضوع آیه «وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ» (ابراهیم: ۴۲) تصویرسازی حالت ظاهری کافران در آستانه پربایی قیامت است. بافت زبانی برای انتقال ملموس‌تر و محسوس‌تر این فضا به مخاطب، فعل «شخص» را با واسطه، هم‌نشین واژه «بصر» کرده است. آنچه تحکیم این هم‌نشینی را بارزتر می‌کند، تکرار ماده این هم‌آیی در آیه «وَأَقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا...» (انبیاء: ۹۷) است. «شخص» به معنی سیاهه انسان که از دور دیده می‌شود «سَوَادُ الْإِنْسَانِ وَغَيْرِهِ تَرَاهُ مِنْ بُعْدٍ وَشَخَصَ، شُخُوصًا: ارْتَفَعَ» (فیروزآبادی، ۲۰۰۵، ج ۱، ص ۶۲۱) است؛ اما زمانی که این فعل، هم‌نشین واژه «بصر» می‌شود، بافت زبانی و سیاق آیه، مفهوم جدیدی را به روی مخاطب

می‌گشاید. در واقع قرارگرفتن این هم‌آیی در زنجیره گفتار، القاکننده ترس و وحشی است که به واسطه منظره هولناک قیامت در اطراف کافران اتفاق افتاده و این ترس به گونه‌ای در برابر آنان نمایان شده که چشمانشان از حرکت ایستاده است؛ زیرا «شخص» «البصر» یعنی بازشدن چشم بدون حرکت و این تصویری از نمود یک حالت در چهره است «فَتَحَّ الْعَيْنِينَ فَلَا تَطْرَفُ أَوْ عَدَمَ اسْتِقْرَارِ الْبَصْرِ فِي مَكَانٍ» (کمال، ۲۰۱۰، ص ۹). به بیان دیگر، بافت زبانی آیه با هم‌نشینی قرار دادن این فعل در کنار واژه بصر، انتقال‌دهنده حالتی است که در چهره کفار، به واسطه هولناکی واقعه قیامت ایجاد شده است. اگر این هم‌نشینی از طریق گزینش افعال مشابه رخ می‌داد، از دلالتی که این هم‌آیی در پی القای آن بود، دور می‌شد؛ به همین دلیل، این فعل بر دیگر افعال هم‌معنای خود ترجیح داده شده است؛ زیرا «هنگامی که متکلم در کلامش واژه‌ای را انتخاب می‌کند، بدین معنا است که از گزینش سایر واژگان که می‌توانستند جانشین آن شوند، خودداری کرده است. او از انتخاب این واژه، تعبیر خاصی را اراده کرده که با کلمات هم‌معنی دیگر نمی‌توانسته این دلالت را به مخاطب برساند» (یونس علی، ۲۰۰۷، ص ۵۳).

نتیجه‌گیری

بهم‌آیی واژگان در قرآن کریم، پدیده‌ای مرتبط با بافت زبانی یا سیاق آیات است که دلالت آیه، به واسطه چینش و گزینش واژگان، در همین بستر نمود پیدا می‌کند. در واقع، مخاطب با تحلیل نظم موجود در بافت زبانی و بررسی هم‌نشینی و ارتباط میان کلمات به معنایی دست می‌یابد که نویسنده در پی انتقال و

شود تا برای انتقال و القای معنا و مفهوم مدنظر متکلم در خدمت بافت متن قرار گیرند. هم آیی فعل و اسم در سوره ابراهیم(ع)، علاوه بر تغییر در معنای معجمی که مبتنی بر اهداف از پیش تعیین شده بافت متن است، نشان می دهد کاربرد پرتکرار برخی واژگان در کنار یکدیگر، سبب خلق ترکیبات اصطلاحی اسلامی نیز شده است. همچنین، همایش افعال در کنار اسم با واسطه یا بدون واسطه کمک می کند تا مخاطب، تصویری را که بافت زبانی آیه درصدد ترسیم آن است، پیش رویش بهتر و ملموس تر درک کند.

کتابنامه

قرآن کریم

- ابن جنی، ابوالفتح عثمان. (۱۹۹۳م). *سَرِّصَنَاعَةِ الْأَعْرَابِ*، تحقیق حسن هنداوای. دمشق: دارالعلم.
- ابن عاشور، محمدطاهر. (۱۹۸۴م). *التحریر والتنوییر*. تونس: الدار التونسیة للنشر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی. (۱۴۱۴). *لسان العرب*. ط ۳. بیروت: دارصادر.
- أحمد بدوی، احمد. (۲۰۰۵م). *من بلاغة القرآن*. نهضة مصر: للطباعة والنشر والتوزيع.
- باطنی، محمدرضا. (ش ۱۳۴۸). *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- الجاحظ، ابوعثمان، محمد بن بحر. (۲۰۰۳م). *البيان والتبيين*. تحقیق عبدالسلام هارون. بیروت: دارالمعرفة.
- جاسم، علی جاسم. (۲۰۱۸م). *أبحاث فی علم اللغة النصی و تحلیل الخطاب*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- الجرجانی، عبدالقاهر. (۲۰۰۴م). *دلائل الإعجاز*. تحقیق محمود محمد شاکر. القاهرة: مکتبة الخانجی.
- حسان، تمام. (۱۹۹۴م). *اللغة العربیة معناها و مبناها*.

تفهیم آن است. در این پژوهش، پس از تحلیل هم آیی های سوره ابراهیم(ع) نتایج زیر حاصل شد:

• در تحلیل بافت زبانی سوره ابراهیم(ع)، دو گونه هم آیی درخور توجه است؛ ابتدا هم آیی موصوف و صفت و مضاف و مضاف الیه و معطوف و معطوف علیه در سطح تناسب اسمی و سپس هم آیش فعل با حرف جر و فعل با اسم در سطح تناسب فعلی.

• با بررسی کاربرد هم آیی های سوره ابراهیم(ع) در سطح ساختار اسمی این نتیجه حاصل شد که گزینش و چینش هم آیی واژگان در بافت زبانی آیات، متناسب با مفاهیم و موضوعاتی است که سیاق قرآنی در پی انتقال آن به مخاطب است. هم آیی واژگان در این سطح، علاوه بر خلق یک ترکیب اصطلاحی متداول در زبان، در تعیین حوزه دلالتی واژه همنشین، تأثیر بسزایی داشته اند. همنشینی و وابستگی واژگان در زنجیره کلام، با انسجام بخشی به متن، معنای جدید ایجادشده از هم آیش واژگان را به مخاطب ارائه می دهد؛ دلالتی که بدون در نظر گرفتن بافت زبانی و از طریق معنای معجمی واژگان به دست نمی آید. همچنین، کشف روابط معنایی جدید که به واسطه همنشینی دو اسم در بافت زبانی رخ داده، سبب شده است تا مخاطب، مراد متکلم از همنشین کردن این واژگان که آگاهانه و هدفمند بوده است را بهتر درک کند.

• با بررسی و واکاوی هم آیی های به کاررفته در سوره ابراهیم(ع) در سطح تناسب فعلی، مشخص شد همنشینی افعال با حروف جر مختلف، بنا بر اقتضای بافت زبانی آیه بوده و این امر سبب شده است دلالت این همایش ها که به سبب آن در بافت زبانی و زنجیره کلام در کنار یکدیگر قرار گرفته اند، از سطح معجمی فراتر بروند و حوزه معنایی جدیدی برای آنها تعریف

- المغرب: دارالثقافه. *إجراءاته ومناهجه. القاهرة: مكتبة الأنجلو المصرية.*
- حسینی نیا، سیدمحمد. (بی‌تا). *إعراب قرآن و حدیث. کتاب اینترنتی. سایت قرآن و حدیث.*
- داود، محمد محمد. (۲۰۰۲م). *القرآن الکریم وتفاعل المعانی درسه دلایه لتعلق حرف الجر بالفعل واثره فی المعنی. القاهرة: دارالغریب.*
- الدسوقی، ابراهیم. (۱۴۲۰ق). *المصاحبة اللفظیة وتطور اللغة. القاهرة: کلیه دار العلوم.*
- الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد. (بی‌تا). *المفردات فی غریب القرآن. تحقیق صفوان عدنان داودی.*
- الزیدی، مرتضی محمد بن محمد. (بی‌تا). *تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار الهدایة.*
- السامرائی، فاضل صالح. (۲۰۱۹م). *من أسرار البیان القرآنی. بیروت: دار ابن کثیر.*
- الشرقاوی، عفت. (۱۹۸۱م). *بلاغة العطف فی القرآن الکریم درسه اسلوبیة. بیروت: دارالنهضة العربیة.*
- صالح حسنین، صلاح‌الدین. (۲۰۰۵). *الدلالة والنحو، ط ۱، القاهرة: مكتبة الآداب للطباعة والنشر.*
- صفوی، کوروش. (۱۳۷۹ش). *درآمدی بر معناشناسی. تهران: سوره مهر.*
- الطباطبائی، محمدحسین. (۱۳۷۴ش). *المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: انتشارات اسلامی.*
- فتوحی رود معجنی، محمود. (۱۳۹۱ش). *سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها، روش‌ها. تهران: انتشارات سخن.*
- الفیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۲۰۰۵م). *القاموس المحيط. بیروت: دارالکتب العلمیة.*
- کریم زکی، حسام‌الدین. (۲۰۰۰م). *التحلیل الدلالی*
- کمال، ابراهیم عبدالعزیز. (۲۰۱۰م). *لغة الجسد فی القرآن الکریم. قاهره: الدار الثقافیة للنشر.*
- مبارک، محمد الصاوی. (۱۹۹۲م). *البحث العلمی أسسه وطریقة کتابته. القاهرة: المكتبة الاکادیمیة.*
- یونس علی، محمد. (۲۰۰۷م). *المعنی وظلال المعنی، أنظمة الدلالة فی العربیة. لبنان: دار المدار الاسلامیة.*
- مختار عمر، احمد. (۲۰۰۸م). *معجم اللغة العربیة المعاصرة. الطبعة ۱. القاهرة: عالم الكتاب.*
- (۱۹۹۸م). *علم الدلالة. القاهرة: دار العلم.*
- امیری‌فر، محمد و همکاران. (۱۳۹۵ش). *چالش‌های ترجمه در باهم‌آیی‌های قرآنی. مجله مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، ۳ (۵)، ۱-۲۵.*
- الخزرجی، رحیم جمعه و السامرائی، هدی عبدالحمید. (۲۰۱۲م). *الطباق فی العربیة. الجامعة المستنصریة. مجله کلیه التربیة الاساسیة، ۷۶، ۱-۲۶.*
- دیانی، مرضیه و پرچم، اعظم. (۱۳۹۷ش). *نقش بافت موقعیتی و پیرامونی در تفسیر آیات مربوط به منافقان - مطالعه موردی آیات ۸ تا ۲۰ سوره بقره و ۱ تا ۹ سوره منافقون. فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۱۵ (۲)، ۹۹-۱۲۳.*
- شریفی، شهلا و نامورفرگی، مجتبی. (۱۳۹۱ش). *تقسیم‌بندی جدید انواع باهم‌آیی با در نظر گرفتن ویژگی‌های فرامتنی در شکل‌گیری انواع باهم‌آیی. مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، شماره ۷، ۳۹-۶۲.*
- فاضلی، محمد. (۱۳۸۸ش). *از رمز و راز نگین‌های قرآنی در چینش‌گزینش و سنجش. فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی، شماره ۲۳، ۷-۲۱.*

- Al Sameraee, Fadel Saleh(2019) *Min Asrar Al Bayan Al Qurani*, Beirut, Dar Ibn Kathir.
- Al Zabidi, Murtada Muhammad Ibn Muhammad (Bita) Taj Al Arus Min Jawahir Al Qamus, Beirut, Dar Al Hidayah.
- Al Firuzabadi, Muhammad Ibn Yaqub (2005) *Al Qamus Al Muhit*, Beirut, Dar Al Kotob Al Ilmiyah.
- Al Khazraji, Rahim Jumae Wa Al Sameraee Hoda Abd Al Hamid (2012) *Al Tebagh Fi Al Arabiyah, Al Jameah Al Muostanseriyah, Journal Of Koliyah Al Tarbiyah*, 76, 1-26.
- Al Buwayh Langroudi, Abdul Ali Nazari, Alireza(1391) "Vocabulary Homogeneity" And Its Role In The Coherence Of Nahj Al-Balaghah Sermons, *Journal Of Religious Literature*,1 (3) 21-46.
- Al Hussein, Hamada Muhammad Abd Al Fattah (2007) *Linguistic Accompaniment And Its Effect On Determining The Connotation In The Holy Qur'an*, Phdz Al Azhar Univercity.
- Afirifa rf muhammad Wa ... 555555 Challenges Of Translation In Quranic Combinations (Case Study: Descriptive And Additional Combinations) ,*Journal Of Studies Of Translation Of Quran And Hadith* , 3 (5) 1-25.
- Batani, Muhammad Reza (1348) *Towsif-E Sakhteman-E Dasturi-E Zaban-E Farsi*, Tehran, Amirkabir Publicutions.
- Dayani, Marziyeh Wa Azam-E Parcham (1397) *The Role Of Situational And Peripheral Texture In The Interpretation Of Verses Concerning The Hypocrites (Case Study 8-20 Baqara And 1 To 9 Hypocrites)* *Journal Of Research In Quranic And Hadith Sciences*, 15 (2) 99-123.
- Dawud, Muhammad Muhammad (2002) *Al Quran Al Karim Wa Tafaol Al Maani*, Al Qahera, Dar Al Qarib.
- Fazeli, Muhammad (1388) *From The Mystery Of Quranic Jewels In*
- کنعانی، سیدحسین. (۱۳۸۴ش). *سیر تحول کاربرد سیاق در تفسیر. مجله مشکوه. ۲۴ (۲)، ۲۸-۴۲.*
- آل بویه لنگرودی و عبدالعلی، نظری علیرضا. (۱۳۹۱ش). *هم آبی واژگانی و نقش آن در انسجام خطبه های نهج البلاغه. فصلنامه ادبیات دینی، ۱ (۳)، ۲۵-۴۶.*
- نوال، بنت ابراهیم بن محمد. (۲۰۱۲م). *المصاحبة اللفظیة ودورها فی تماسک النص مقارنہ نصیة فی مقالات خالد المنیف. مجله الدراسات اللغویة، ۱۴ (۳)، ۶۱-۱۲۴.*
- الحسینی، حماده محمد عبد الفتاح. (۲۰۰۷م). *المصاحبة اللغویة وأثرها فی تحديد الدلالة فی القرآن الکریم. رساله مقدم لنیل درجه دکتوراه. جامعه الازهر. قاهره.*

Bibliography

The Holy Quran

- Ahmad, Badawi Ahmad (2005) *Min Belaghat Al Quran*, Egypt Publicutions.
- Al Jahez, Abo Uthman Muhammad Ibn Bahr (2003) *Al Bayan Wa Al Tabyin*, Investigated By Abd Al Salam Harun, Beirut, Dar Sader.
- Hesan, Tammam (1994) *Al Lughah Al Arabiyyah Manaha Wa Mabnaha*, Al Maqreb, Dar Al Seqafah.
- Al Jurjani, Abd Al Qahir (2004) *Dalail Al Ajaz*, Investigated By Mahmood Muhamad Shaker, Al Qahera, Al Maktaba Al Khanji.
- Al Desuqi, Ibrahim (1420) *Al Musaheba Al Lafziyh Wa Tatawurh Al Lughah*, Al Qahera, Dar Al Ulum.
- Al Raghīb Al Isfahani Hussein Ibn Muhammad (Bita) *Al Mufradat Fi Gharib Al Quran*, Investigated By Safvan Adnan Dawoodi.
- Al Sharqawiy, Iffat (1981) *Belaqat Al Atf Fi Al Quran Al Karim*, Beirut, Dar Al Nehzah Al Arabiyah.

- Lughah Al Arabiyah Al, Al Qahera, Alam Al Ketab.
-
- Ilm Al Dalalah, Al Qahera, Dar Al Ilm.
- [Nawal Bint Ibrahim Bin Mohammed](#) (2012) Verbal Accompaniment And Its Role In Text Cohesion: A Textual Approach In Articles By Dr. Khaled Al-Munif, [The Journal Of Linguistic Studies](#), 14 (3) 61-124.
- [Sharifi Mojtaba Namvar Fergj](#) (1391) New Classification Of Lexical Conjugation Types By Considering Meta-Textual Features In The Formation Of Convergence Types, [Journal Of Linguistics And Dialects Of Khorasan](#), No 7, 39-62.
- Saleh Hassanein, Salah Al Din (2005) Al Dalalah Wa Al Nahw, Vdams1, Al Qahera, Maktabah Al Adab Ublications.
- Safavi, Kurush (1379) Daramad-E Bar Mana Shenasi, Tehran, Sureh Mehr.
- Tabatabai, Muhammad Hussain (1374) Al Mizan Fi Tafsir Al Quran, Translated By Muhammad Bagher Musavi Hamadani, Qom, Eslami Publications.
- Younes, Ali Muhammad (2007) Al Mana Wa Zelal Al Mana, Lebanon, Dar Al Madar Al Eslamiyah.
- Arrangement, Selection And Measurement, [Journal Of Persian Literature](#), No23, 7-21.
- Fotohi-E Rudmaejeni, Mahmood (1391) Sabk Shenasi Nazariyha, Ruykardha, Raveshha, Tehran, Sukhan Publications.
- Hosiniya, Seyed Muhammad (Bita) Arab-E Quran Wa Hadith, Ketab-E Interneti.
- Ibn Janni Abu Al Fath Uthman (1993) Ser Sanaat Al Earab, Investigated By Hassan Hindawi, Damascus, Dar Al Alam.
- Ibn Ashur, Muhammd Ibn Tahir (1984) Al Tahrir And Tanwir, Tunisia, Al Dar Al Tunisi Publications.
- Ibn Manzur, Muhammad Ben Mukarram Bk Ali (1414) Lisan Al Arab, Vdams3, Beirut, Dar Sader.
- Jassim, Ali Jassim (2018) Abhath Fi Alm Al Lghah Al Nasi Wa Tahlil Al Khetab, Beirut, Dar Al Kotob Al Ilmiyah.
- Kamal, Ibrahim Abd Al Aziz (2010) Luqat Al Jasad Fi Al Quran, Al Qahera, Al Dar Al Seqafiyh Publications.
- Kanani, Sayid Husayn (1384) The Evolution Of Context Application In Interpretation, [Journal Of Meshkat](#), 24 (2), 28-42.
- Mubarak, Muhammad Al Sawy (1992) Al Bahs Al Ilmi Osushi Wa Tariqateh Ketabatehi, Al Qahera, Al Maktabah Al Akademiyah.
- Mukhtar Omer, Ahmad (2008) Mujam Al